

(متن سخنرانی در تجلیل از احمد منزوی)

به نام نگارنده بود و هست

۲۵۵

چون این مجلس دلپذیر برای ادای احترام بی‌شائبه به احمد منزوی است بر کمینه فرض شد دعوت همکارانه و راستین او را برای حضور در مجلسی که دوستدارانش به هم می‌نشینند بپذیریم و از دقایق همصحبتی و تجدید دیدار آنان لذت یاب شوم. پس از صبوری و لطف شما مند می‌گیرم و به عنوان کسی که چهل سال پیش با او هم آرزو و همراه بوده است چند بندی درباره این نادره کار قلمرو کتابشناسی ایران - که به طور اخص برای نوشته‌های زبان فارسی جانمایه گذارده و بطور اعم عاشق دلباخته کتاب و نسخه بوده و هست - زحمت بدهم.

در یک کلام، ابن ندیم کنونی ما تا سال ۱۳۵۳ تعداد ۴۹۰۲۲ نسخه را با ذکر کیفیاتی که می‌باید در شش جلد «فهرست نسخه‌های خطی فارسی» و پس از آن ۶۹۱۴ نسخه خطی را تا سال ۱۳۶۱ در چهار جلد «فهرست مجموعه گنج‌بخش» و بالاخره حدود بیست هزار عنوان کتاب را - که اگر حسابم نادرست نباشد - به تخمین شصت هفتاد هزار نسخه خواهد بود تا سال ۱۳۷۵ در چهارده جلد «فهرست مشترک پاکستان» به ما شناسانیده و جز اینها موفق شده است پنج مجلد از کتاب ارزشمند خود به نام «فهرستواره کتاب‌های فارسی» را که مرجعی همیشگی برای پژوهشگران خواهد بود به طبع برساند. پنج جلد نخستین آن توسط این انجمن چاپ شده و از جلد ششم به توسط مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی به چاپ خواهد رسید به حکم آنکه شاعر هم گفته است: «سر همان جا نه که باده خورده‌ای».

جز اینها او در نگارش شش جلد «فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس» و نه مجلد «فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی» ملک رکن رکین بوده و با ارادتمندان خود همکاری صمیمانه و دلسوزانه داشته است. و باز باید دانست که فهرستهایی هم درباره کتابخانه‌های هند نشر کرده است.

منزوی‌ها را از موقعی که کتابدار شدم شناختم. درین راه با هر دو برادر کتابشناس، کتابدار، کتابدوست کتاب‌نویس همراه بوده‌ام. با علینقی پنجاه سال پیش در کتابخانه دانشکده حقوق کنار هم می‌نشستیم. هر دو خادم آنجا بودیم و از لذت همسخنی با محمدتقی دانش‌پژوه بهره‌ور و از دریای دانش او گوهریاب بودیم و هر سه زیر نظر کتابدار صاحب علم و ذوق شادروان دکتر محسن صبا که نخستین ایرانی تحصیل کرده در رشته کتابداری بود آموزش می‌دیدیم.

موقعی که کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران در ساختمان جدید استقرار یافت و روزانه گسترش می‌گرفت احمد به کمک من شتافت. در فهرست‌نویسی مجموعه‌های آنجا خدمت‌های بسیار مفید کرد. وجودش مغتنم بود. اغلب همکاران از دانایی او در کتابشناسی فیض می‌بردند. یکی از کارهای برجسته‌ای که برای آن کتابخانه انجام داد تهیه فهرست چاپ‌های سنگی آنجا بود. آن قدر که به یادمانده است آن کار به پایان رسیده بود و در شرف چاپ شدن بود که تغییرات روزگار پیش آمد و آن برگه‌هایی سرانجام ماند.

منزوی‌ها فرزند پدری ناماوردند آن که الذریعه را تألیف کرده، کتابی بسیار مشهور و بسیار مفید. آن را همه می‌شناسید. این دو فرزند کتاب‌شناس در آن کتابخانه بیست و چند جلدی پرورش یافته و آگاهی‌های نخستین کتابشناسی را میان اوراق آن مجلدات دستیابی کرده‌اند. الذریعه مرجعی اصلی، اساسی و حتمی برای هر پژوهنده‌ای است که با کتاب و نسخه (اعم از فارسی و عربی) سر و کاری پیدا می‌کند. علینقی و احمد فرزندان خلف پیرو چنان پدرند.

درباره احمد دو سه خاطره مانند را باید عنوان کنم. یکی مربوط به موقعی است که واقف کتابخانه ملی ملک و زعمای مجلس شورا بر آن شدند تا جمعی را همگام کنند و آنان فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی آن دو کتابخانه را زودتر پیش ببرند و به دسترس جویندگان برسانند. او یکی از پایمردان بی‌غش و دلسوزی بود که تا پایان پیمان شادروان محمدتقی دانش‌پژوه و من نسبت به آن دو کتابخانه از همراهی کوتاهی و ناسازگاری نکرد.

وقتی تشکیلات RCD (مؤسسه فرهنگی منطقه‌یی) در تهران پای می‌گسترده مقارن بود با روزهایی که احمد منزوی تألیف «فهرست مشترک نسخه‌های فارسی» را به پایان برده و آماده چاپ کردن ساخته بود. چون به خوبی وقوف داشتم که این جثه و طوطی، اما پرتوان در کار و توانمند در تحمل گرانی‌ریهای روزگار، خدمتی بزرگ و ماندگار را به سرانجام رسانیده است - که



اگر دولت می‌خواست آن را به حصول برساند در بایست آن می‌بود که مؤسسه‌ای بنیاد گذارد - مشتاقانه به این در و آن در می‌زدیم که وسایل چاپ آن کتاب خود مثال فراهم شود. خوشبختانه به یک اشارت، دکتر سلیم نیساری با روی خوش و کمال فرهنگ خواهی سودمندی کتاب را دریافت و سرنوشت آن تألیف منیف را به دست گرفت. نیساری در آن وقت مسؤول امور فرهنگی RCD بود.

منزوی پس از آن کارگران، بازنشستگی را پذیرفت و از ایران رفت. به هجرت رفت و چون دانایی پاک باخته بود در پاکستان منزوی شد. ولی دست از کتاب نکشید. پیرو نیمه‌ای از بیت حافظ بود که گفته است: «فراغتی و کتابی و گوشه چمنی».

سالی بیش نبود که «مرکز تحقیقات زبان فارسی ایران و پاکستان» از طرف وزارت فرهنگ و هنر وقت و به پایداری و بیشش دکتر علی‌اکبر جعفری در آن سرزمین بنیاد گرفته بود و مقادیری نسخه‌های خطی برای کتابخانه مرکز از چهارگوشه آن کشور خریداری و گردآوری شده بود و به تدریج هم بر آن مجموعه افزوده می‌شد. خوشبختانه حضور با برکت منزوی را مغتنم دانستند و فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی به دست او سپرده شد. جز این از دانایی او در شناخت و ارزیابی علمی نسخه‌ها بهره‌وری می‌کردند. که او از تجربه و دانایی در این رشته کوله‌باری گران به همراه داشت.

منزوی در پاکستان دو کار سترگ را در نهایت استواری و هوشیاری و با شور علمی و دور از هر گونه لاف و گزاف به انجام رسانید. یکی فهرست نسخه‌های خطی همان مرکز است که به نام «فهرست کتابخانه گنج‌بخش» در چهار جلد به چاپ رسید. دیگری «فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه‌های پاکستان» است که چنانکه پیش ازین گفتیم در چهارده مجلد است. اینکۀ گفتیم احمد منزوی به هوشیاری چنین خدمتی را سرانجام داد از این بابت است که او خوب دریافته بود که فرهنگ ایرانی و مخصوصاً آنچه به زبان فارسی نوشته شده است روزگاران دراز در شبه قاره با زندگی مردم پیوستگی ژرف داشته است و بر ماست که آن مآثر درخشان را بشناسیم و از آن چشمه‌ها مشتاقان جامهای ده منی بنوشند.

او بهترین راه را شناختن و شناساندن نسخه‌هایی دانست که به زبان فارسی در شهرها و روستاهای دوردست آن سرزمین متروک مانده است و عاشقان آشنا و دلخسته ندارد. در سراسر این فهرست‌ها دو انگیزه مشهود است. یکی شناساندن آثاری که از فرهنگ ایرانی به مدت چند قرن مورد علاقه و خواندن ساکنان فارسی‌دان شبه قاره بوده و از آنها نسخه‌نویسی می‌شده است و ما امروز در می‌یابیم که مردم آن صفحات به چه متونی دل بستگی داشته‌اند. دیگر اینکه ما از تألیفات و نوشته‌هایی که بومیان هند به زبان فارسی از قرن ششم به بعد تألیف کرده‌اند آگاه می‌شویم و ازین راه رگه‌های پیوند مربوط به فرهنگ ایرانی را از میان آن نوشته‌ها به آسانی به دست می‌آوریم.

شاید همه ندانید که منزوی بسیار از صفحات این فهرست‌ها را در حال وضعی سیاه کرده است که چندی خود را محکوم و راضی بدان کرده بود تا در گوشه انبارگونه مرکز بیتوته کند و شب را به سختی به پگاه برساند به امید آنکه بامدادان نسخه‌های کرم خورده هندی را لایه‌لا بگرداند و از آن صحیفه‌ها و دفترها، تازه‌هایی را به دوستداران و پیوند ناگستگان زبان فارسی عرضه کند.

او برای گردآوری اطلاعات مربوط به «فهرست مشترک پاکستان» چه سفرهای دشوار و دراز که به گوشه و کناره‌های دور دست پاکستان نکرد و برای دیدن کتاب‌های فرسوده روزگار به چه ناهمواری‌ها که دچار نشد. گرمای به شلجی آمیخته را پذیرا شده بود. در مدرسه‌ها و اقامت‌گاه‌هایی که هزینه گران نداشته باشد می‌خوابید. تند و تیزی خوردنی‌های بومی ناآشنا را بر خود گوارا می‌ساخت برای آنکه چند نسخه بیشترک دیده باشد.

احمد، پس از این دو تألیف گرانسنگ تهیه و تنظیم کتاب بزرگ دیگری را به نام «فهرستواره کتاب‌های فارسی» پیش گرفت و موفق شد مجموعه‌ای فراهم سازد از اطلاعات آغازین و ضروری برای کتاب‌هایی که فارسی‌زبانان از وادی و خوش تا دریای نیل تألیف کرده‌اند. او در این

فہرست مشترک نسخہ‌های خطی فارسی پاکستان

تالیف

احمد منزوی

اضافات، تجدید نظر و اهتمام

عارف نوشاهی

مجلد چهارم

معنا، ادبیات، فرهنگنامہ، موسیقی، حدیث، فقہ، ادب



مرکز تحقیقات ایرانیان پاکستان



۵ استاد احمد منزوی

کار بزرگ و سترگ هم کیفیات خطی‌ها را آورده و هم مشخصات چاپی‌ها را شناسانده است. اکنون منزوی جاحظ وار همه روز به مرکز دائرۃ‌المعارف بزرگ اسلامی می‌رود و کنار قفسه‌های کتاب قرار می‌گیرد و به زیر و رو کردن و نظم دادن برگه‌های گردآوری شده‌ای که یادگار سال‌های دراز و حاصل تجسس در کتابخانه‌های مختلف ایران و پاکستان یا برگرفته از اطلاعات مخزون در لابه‌لای کتاب‌های بی‌شمارست، می‌پردازد و سالی نیست که کتابی حجیم و جسیم از زیر دست او بیرون نیاید.

جلد اول از نسخه‌های خطی مجموعه اهدایی دوست فقید دانشمند شادروان سلطانعلی بهبهانی به کتابخانه همین دائرۃ‌المعارف را دو سال پیش منتشر کرد. پس از آن جلد پنجم فهرستواره - که انجمن مفاخر و آثار ملی ناشر آن بود - به دستمان رسید. به خوش خبری باید گفت که به همین نزدیکی‌ها جلد ششم آن کتابشناسی و فهرست مجموعه خطی یکی از کتابخانه‌های کرمان را مرکز دائرۃ‌المعارف منتشر خواهد کرد.

تردید ندارم که نام احمد منزوی کنار نام کتابشناسان بنام، چه این ندیم و کاتب چلبی از بزرگان قرون گذشته، چه پدرش و برادرش و دوستش محمدتقی دانش‌پژوه از معاصران ماندگار خواهد بود. همچنین در قلمرو پژوهش‌های جهانی ایرانشناسی نامش هم‌تراز با نام کارل استوری انگلیسی برده خواهد شد، همچنان‌که نام فؤاد سرگین ترک با نام کارل بروکلمان آلمانی در

کتابشناسی پردازی از نوشته‌های عربی پهلوی به پهلوی شده است.

دوستان! من قلمی را می‌بوسم که به دست او بود و هست و همواره آن را با شوری آتشین برای پایداری زبان فارسی بر روی کاغذ گریانیده. امیدوارم دانشوران ایرانی و فارسی‌زبانان سراسر جهان و هم ایرانشناسان فرنگ، مواقعی که کتابهای ارجمند او را به دست می‌گیرند و به آسانی آگاهیهای دلخواه خود را در آنها می‌یابند یاد رنج‌های این کشف‌ظنون زمان باشند و دست کم آوردن نام او از قلمشان فرو نیفتد که هر سطر ازین کتابها نتیجه گشت و گذار در چندین کتاب و نسخه و خواندن سطور بی‌شماری بوده است که خود او هم نمی‌تواند شمار آنها را بداند. اگر ملول شده‌اید ببخشیدم، پای احمد منزوی در میان بود.



کتاب خورشید منتشر کرده است:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

همراه باد در دل تنهایی کویر / منوچهر طلیاب

پنجمین کتاب سال شیدا / محمدرضا لطفی

کتاب خورشید — خیابان اسدآبادی — خیابان سیزدهم —

شماره ۲۲ تلفن: ۸۷۲۱۰۹۹